

نشانه‌شناسی

مقالات کلیدی

گزینش و ویرایش

امیر علی نجوین

دانشیار ادبیات انگلیسی و نظریه‌ی ادبی

دانشگاه شهید بهشتی



آثار است فرادید

سرشناسه:	نجومیان، امیرعلی، ۱۳۴۳-، گردآورنده، ویراستار
عنوان و نام پدیدآور:	Nojournian, AmirAli
مشخصات نشر:	نشانه‌شناسی (مقالات کلیدی) / گزینش و ویرایش امیرعلی نجومیان.
مشخصات ظاهری:	تهران: مروارید، ۱۳۹۵.
شابک:	ص. ۴۸۰
وضعیت فهرست‌نویسی:	978-964-191-492-1
یادداشت:	فیفا
موضوع:	کتابنامه: ص. ۴۶۳.
موضوع:	نشانه‌شناسی - مقاله‌ها و خطابه‌ها.
رده‌بندی کنگره:	Semiotics - Addresses, essays, lectures
رده‌بندی دیویی:	P ۹۹/۱۳۹۵
شماره کتابخانه ملی:	۳۰۲/۲
	۴۵۴۹۳۶۴



مروارید

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵
 دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶-۶۶۴۱۴۰۴۶-۶۶۴۸۴۶۱۲ فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷ فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
www.morvarid-pub.com

نشانه‌شناسی

مقالات کلیدی

گزینش و ویرایش: امیرعلی نجومیان

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول ۱۳۹۶

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف‌نگار

تیراژ ۱۱۰۰

شابک 978-964-191-492-1 ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۴۹۲-۱ ISBN

ریال ۳۲۰۰۰۰

فهرست

- ۷.....مقدمه
- بخش نخست: رفرم سانه شناسی..... ۱۵
- (۱) یوگنی گرنی، «سازمان شناسی چیست؟»..... ۱۷
- (۲) ورنر همبرستینگل، «مبانی نشانه شناسی»..... ۳۰
- (۳) ورنر همبرستینگل، «پیشینه‌ی سانه شناسی»..... ۳۹
- (۴) اومبرتو اکو، «به سوی منطق فرهنگ»..... ۴۳
- (۵) ژولان بارت، «از عناصر نشانه‌شناسی»..... ۸۰
- بخش دوم: نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی..... ۱۰۹
- (۶) رومن یاکوبسن، «زبان‌شناسی و شعرشناسی»..... ۱۱۱
- (۷) فردینان دو شسور، «از درسی‌های زبان‌شناسی عمومی»..... ۱۲۱
- بخش سوم: نشانه‌شناسی و ادبیات..... ۱۴۵
- (۸) رابرت اسکولز، «به سوی نشانه‌شناسی ادبیات»..... ۱۴۷
- (۹) جانائان کالر، «نشانه‌شناسی به مثابه نظریه‌ی خوانش»..... ۱۷۱
- (۱۰) ژرار ژنت، «مرزهای روایت»..... ۲۰۹

بخش چهارم: نشانه‌شناسی و هنر..... ۲۳۲

(۱۱) تلویزیون: استوارت هال، «رمزگذاری و رمزگشایی»..... ۲۳۴

(۱۲) معماری: اومبرتو اکو، «کارکرد و نشانه: نشانه‌شناسی معماری»..... ۲۴۸

(۱۳) موسیقی: ایرو تاراستی، «از نظریه‌ای برای نشانه‌شناسی موسیقی»..... ۳۰۹

(۱۴) سینما: کریستین متس، «برخی مطالب در نشانه‌شناسی سینما»..... ۳۲۶

(۱۵) سینما: وارن باکلند، «نشانه‌شناسی فیلم»..... ۳۴۰

(۱۶) تئاتر: کیر الام، «از نشانه‌شناسی تئاتر و نمایش»..... ۳۷۳

بخش پنجم: به‌الش کشیدن نشانه..... ۴۰۹

(۱۷) ادبیات: در..... ساختار، نشانه و بازی در گفتمان علوم انسانی»..... ۴۱۱

(۱۸) جانانا کال، «در جستجوی نشانه‌ها»..... ۴۳۳

کتابشناسی..... ۴۶۳

نمایه‌ی نام‌ها..... ۴۷۳

نمایه‌ی اصطلاح‌ها..... ۴۷۵

مقدمه

نشانه‌شناسی حاصل درک نوینی از نسبت میان زبان و واقعیت است. زبان همواره به مثابه ابزار انسان برای نمایش بیای ذهن و معنی به منظور ارتباط و بیان انگاشته می‌شد. این شیوه‌ی تفکر که ریشه در اندیشه‌ی متافیزیکی افلاطون و نظریه‌ی محاکات داشت، برای جهان اندیشه مابه‌ازایی محسوس قرار می‌داد که از دنیای اندیشه تقلید می‌کرد تا با ادراک انسانی همگون گردد. اما در دهه‌های پایانی سده‌ی نوزدهم با طرح نظریه‌های زیبایی‌گرایی و آرای نیچه نسبت میان زبان و واقعیت بازگون شد. اندیشمندانی چون نیچه، ویتگنشتاین و هایدگر از این سخن گفتند که در واقع زبان است که معنی و حقیقت را می‌سازد، حقیقت چیزی جز یک ساخت بلاغی نیست و هستی ما در زندان زبان گرفتار است.

بر این اساس، نشانه‌شناسی حوزه‌ای از دانش بشری است که در دهه‌های نخست سده‌ی بیستم فهم جدیدی را از زبان و زبان‌شناسی طرح کرد. واژه‌ها دیگر نام‌های خاصی نیستند که به‌گونه‌ای مطلق بر چیزها نهاده باشیم، بلکه واژه‌ها بر اساس منطق تفاوت و به‌گونه‌ای قراردادی معنی تولید می‌کنند. آنچه ما از آن به واقعیت بیرونی یاد می‌کنیم تنها به‌واسطه‌ی الگوهای ساختاری قابل دسترسی است. ما تنها از طریق یک‌سری الگوها و ساختارهای از پیش تعیین‌شده و برساخته است که جهان را می‌فهمیم. همیشه یک واسطه وجود دارد و این واسطه یک نظام نشانه‌ای (زبانی) است که مانند چهارچوبی برای فهم جهان کارکرد دارد. پس، ساختارها گرامر یا دستور زبان نظم ویژه‌ای از جهان را ساخته و سپس آن را برای محک پدیده‌های عالم به کار می‌گیرند.

بنابراین نشانه‌شناسی را می‌توان چنین تعریف کرد: نشانه‌شناسی بررسی، تحلیل و تفسیر کنش دلالت‌پردازی (فرآیند معناسازی) پدیده‌های عالم است. یکی از روش‌های نخستین نشانه‌شناسی، خواندن متن بر اساس زبان زیرین متن است. پس نشانه‌شناسی

بررسی نسبت نشانه‌ها با یک ساختار و یک زبان زیرین است. با این تعریف است که موضوع اصلی نشانه‌شناسی «فرآیند معناسازی» می‌شود. یک نشانه‌شناس کنش‌های انسانی و آیزه‌های عالم را به‌عنوان نشانه‌هایی درون یک نظام موضوع مورد بررسی قرار می‌دهد و چگونگی شکل‌گیری معنی را در این آیزه‌ها و کنش‌ها دنبال می‌کند.

اما تعریفی که در بالا آمد بیش و کم درون پارادایم ساختگرایی شکل گرفت و رشد کرد. نکته‌ی قابل توجه این است که با چرخش پارادایمی از ساختگرایی به پس‌ساختگرایی و سپس نظریه‌های فرهنگی، نشانه‌شناسی توانست اهمیت خود را حفظ کند. راز بقای نشانه‌شناسی در چیست؟ به گمان من، نشانه‌شناسی با بسط حوزه‌ی فعالیت نشانه‌ها از متن به کتب و بنابراین زندگی روزمره توانست این حوزه تحقیق را در قرن بیست و یک همچنان لازم و ضروری سازد. دیگر اینکه نشانه‌شناسی با مطالعه‌ی متون متنوعی مانند ادبیات، سینما، موسیقی، تئاتر، معماری و رسانه‌های گروهی توانست از دایره‌ی کوچک زبان کلامی به حوزه‌های دیگر متنی نیز وارد شود.

گزاره‌های نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی به‌طور خلاصه گزاره‌های زیر را مطرح می‌کند:

۱) نشانه‌شناسی روش خواندن متن است. تا زبان زیرین متن را کشف کند. پس نشانه‌شناسی بررسی نسبت نشانه‌ها با یک ساختار و یک زبان زیرین است. این نسبت به تولید معنی می‌انجامد. نشانه‌شناسی ساختگرا بر این باور شکل گرفت که از متن نمی‌توان خارج شد. امروزه اما یکی از مهم‌ترین رویکردهای نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی فرهنگی است که رابطه‌ی نشانه‌ها در بستر فرهنگی و فرهنگ را به‌عنوان مبحث تحلیل می‌کند.

۲) نسبت ما با جهان بیرون بر اساس زبان و سیستم است. هر کنش فردی ما تنها در ارتباط با یک نظام زبانی کلی قابل فهم است. اگر ما بتوانیم کنش‌های فردی‌مان را با نظام‌های زبانی مرتبط کنیم می‌توانیم بفهمیم کجا قرار داریم و جایگاه‌مان چیست. یک کنش در یک نظام زبانی می‌تواند کاملاً مثبت و در نظام زبانی دیگر کاملاً منفی باشد. پس کنش‌های فردی ارزش درونی و ماهوی ندارند. آنچه که برای نشانه‌شناسی مهم است رابطه‌ی همزمانی این نشانه‌هاست. در یک کلام، ساختگرایی به دنبال دستور زبان متن (ادبی، معماری، ساختار شهری، موسیقی، و غیره) است.

۳) سیستم‌ها یا ساختارها نتیجه‌ی انباشت کنش‌های فردی هستند. این نظام زبانی انباشتی است از کنش‌های زبانی فردی. گفتار فردی یا کنش فردی تنها در ارتباط با نظام

زبانی قابل فهم است.

(۴) یک نشانه چیزی است که دیگر نشانه‌ها نیستند. هستی یک نشانه تنها در تفاوت آن با نشانه‌های دیگر شکل می‌گیرد.

(۵) رابطه میان دال و مدلول قراردادی است. دال نشان ملموسی است که به زبان می‌آورم یا می‌نویسم و مدلول مفهومی است که از این دال به ذهن متبادر می‌شود. دال و مدلول با هم نشانه را می‌سازند.

(۶) کنش‌ها و رفتارهای انسانی به تمامی ساختگی است. «ساختگی» به این معنی که من کنش‌های فردی خود را به تدریج بر اساس ساختارهای جامعه شکل می‌دهم. ما تنها از طریق ساختارها و سیستم‌ها می‌توانیم با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم.

(۷) معنی یک متن سرارط با واقعیت بیرون یا بیان خالق آن شکل نمی‌گیرد. ساختگرایان نگاه آن به متن نگاهی تقلیدی یا محاکاتی نیست و بر این گمانند که متن تقلیدی از جهان بیرون نیست. درون جهان متن است که نشانه‌ها با هم مرتبط هستند.

(۸) واقعیت همواره به‌ضرر رمزگذاری شده وجود دارد. ما همواره با یک‌سری رمزگان روبه‌رویم که میان یک گروه انسانی مشترک است. به باور ساختگرایان، واقعیت‌ها همیشه از طریق یک‌سری ساختارهای رمزی با هم ارتباط دارند.

(۹) معنی در متن از درون ساختار متن شکل می‌گیرد و در خود متن نسبت میان نشانه‌هاست که معنی یا نظام دلالتی را شکل می‌دهد.

نشانه‌شناسی ساختگرا

از دید ساختگرایان، پدیده‌های جهان نه از ارجاع به دنیا بیرون، بلکه تنها در نسبت با پدیده‌های مشابه و بر اساس تفاوت با آن‌هاست که معنا می‌گیرند و این اساس نسبی‌گرایی است. به همین ترتیب، ادبیات و هنر هم دیگر تقلیدی نیستند و به حقیقت بیرون ارجاعی ندارند. ادبیات و هنر، به‌عنوان متن، می‌بایست در ارتباط با متن‌های دیگر و نیز بر اساس یک نظام نشانه‌ای و دستور زبان خودکفا بررسی و تحلیل شوند. به این ترتیب، ادبیات و هنر دیگر باز نمودی از واقعیت بیرونی نیستند.

می‌توان نتیجه گرفت که نشانه‌شناسی ساختگرا به دنبال معنی نهفته‌ای در متن نیست، بلکه به دنبال آن است که توضیح دهد معنی هر متن چگونه شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، نشانه‌شناسی ساختگرا هدفی جز توصیف فرآیند تولید معنی ندارد. ما نمی‌توانیم یک رفتار اجتماعی واحد، یا یک متن ادبی واحد را تحلیل کنیم مگر آن‌که آن را در

ارتباط با نظام‌های مشابه دیگر بررسی کنیم. از این‌رو، سوسور نظرات خود را نه زیان‌شناسی بلکه با عنوان نشانه‌شناسی مطرح می‌کند. سوسور در واقع نظریه‌ای را مطرح می‌کند که به‌هیچ‌رو در فضای کوچک زبان جا نمی‌گیرد و فراتر از آن می‌رود و می‌تواند هر رفتار انسانی را شامل شود. نشانه‌شناسی ساختگرا بر این اساس تلاش می‌کند که برای هر رفتار انسانی یک دستور زبان بسازد. آنچه امروز با نام جامعه‌شناسی ساختگرا، اقتصاد ساخت‌گرا، نقد ادبی ساختگرا و مانند آن می‌بینیم نتیجه‌ی همین رویکرد نظام‌گرا است. این رویکرد می‌کوشد تا از کنار هم گذاشتن تک‌رفتارها یا تک‌گفتارها به قوانین و دستور رفتارها و گفتارها دست پیدا کند.

نشانه‌شناسی پس‌ساختگرا

اما، رویکرد ساختگرا، در دهه‌ی شصت میلادی مورد نقد و چالش مهمی توسط چند متفکر فرانسوی از جمله دریدا، بارت، لاکان، کریستوا و فوکو قرار گرفت. نقد پس‌ساختگرا به مجموعه‌ی گسترده‌ای از نظریه‌های نقد اطلاق می‌شود که پس از ساختگرایی و با گونه‌ای موانع‌گیری نسبت به ساختگرایان شکل گرفته‌اند. به گمان من، به این دلیل که نقد پس‌ساختگرا رادام یا چهارچوبی نوین در نقد طرح کرد درون رویکردهای متفاوتی از خوانش متون جست‌وجو است: نقدهای مانند نقد واساز، نقد پسااستعماری، نقد فرهنگی، نژاد و مهاجرت، نقد گتمانی، رویکرد تاریخ‌گرایی نو، و نقد جنسیت و هویت جنسی از این جمله‌اند.

پس‌ساختگرایان هنوز با زبان نشانه‌شناسی ساختگرا و اصطلاحات آن از جمله دال و مدلول، همنشینی و جانشینی، در زمانی و همزمانی و زبان و گمتا سخن می‌گفتند اما اصول تفکر ساختگرا را با یاری همین واژه‌ها به چالش گرفتند. گمان برتنز، پس‌ساختگرایی «در دید ضد انسان‌گرای خود و این که زبان کلید فهم جهان و خود است» با ساختگرایی همراه است.^۱ واقعیت، برای این دو نظریه، تنها به واسطه‌ی زبان (نظام نشانه‌ها) قابل فهم است. ما از درون یک نظام نشانه‌ای (از جمله زبان کلامی) که براساس مجموعه‌ای رمزگان مورد توافق یک گروه اجتماعی قادر به درک عالم هستیم به گمان ایشان، واقعیتی درک‌شدنی جدا از نظام نشانه‌ای وجود ندارد.

اما پس‌ساختگرایی در توان نمایش معنی درون زبان و وجود نظامی زیرین و ثابت

1. Bertens, Hans. *Literary Theory: The Basics*. London: Routledge, 2001, p. 120.

در متن که محور و مرکز فهم متن باشد تردید دارد. از نگاه ایشان، نظام‌های نشانه‌ای همیشه مورد تهدید و هجوم دلالت‌هایی بس متفاوت قرار می‌گیرند که در نهایت به تعلیق معنا درون متن می‌انجامد. پساساختگرایان بر این گمانند که فقط زمانی وجود نظامی ثابت و جهان‌شمول ممکن است که دال و مدلول در رابطه‌ای طبیعی و جدانشدنی دلالت یگانه‌ای را سبب شوند و این امر به هیچ‌رو شدنی نیست. معنا اگرچه حاصل تفاوت است، سرانجام در رویکرد ساختگرایان به علوم انسانی، به مدلولی استعلایی در بیرون متن ارجاع دارد. دریدا این بینش ساختگرا را با اصطلاحات «متافیزیک حضور» و «کلام‌محوری» نقد کرده است.

پس حتی پساساختگرایان از اتفاقی که در متن می‌افتد متفاوت است و این اندیشه بر اساس تعریف جانر از نشانه شکل می‌گیرد. پساساختگرایان نشانه را «مادی، فرآیندی و بینامتنی» اعلام کردند: «مادی»، بدین معنی که نشانه خود گاهی فقط نشانه است و به هیچ چیز جز خود دلالت ندارد؛ «فرآیندی» از این‌رو که نشانه در یک فرآیند ناتمام در حال دلالت است و تثبیت نشده است؛ «بینامتنی» بدین دلیل که نشانه‌های یک متن همواره با نشانه‌های متن‌های دیگر در تعامل و گفتگو هستند و متن‌ها، دنیا‌های بسته و مجزا از یکدیگر نیستند. در نشانه‌شناسی پساساختگرا، هر نشانه به جای حمایت از و پیوستگی با دیگر نشانه‌ها، چالشی بر آن محسوب می‌شود. پساساختگرایان هر نظام مستحکم و یکدست از نشانه‌ها را نقد می‌کنند و در نتیجه نظام‌های زبانی را سرشار از تناقض و پارادوکس می‌بینند. همچنین واسازی دریدا منطق حاکم بر تقابل‌های دوگانه ساختگرایی را پارادوکسی می‌داند و مجرای آن دو قطب تقابل و برتری یکی بر دیگری را به پرسش می‌گیرد.

ژاک دریدا، درون متن و بیرون متن را، بر خلاف نگاه ساختگرایان، «یکدیگر مجزا نمی‌پندارد و کوشش می‌کند که نشان دهد درون متن همیشه از بیرون پدید می‌شود و بالعکس. اما این تمام ماجرا نیست. واسازی نشانه‌ها در متن از این‌رو اتفاق می‌افتد که دال‌ها به مدلول نهایی نمی‌رسند، حصول معنی همواره به تعویق می‌افتد و ما یکسره معنی را در چند قدمی خود می‌بینیم، بدون این‌که امکان دستیابی کامل به آن فراهم باشد. روند خوانش متن در نظریه پساساختگرایی هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد و حرکت از

دالی به دالی دیگر است. دلالت دیگر نتیجه سستزگونه ارتباط دال و مدلول به هم پیوسته‌ای نیست و هر کنش خواندن دلالت‌های تازه‌ای را آشکار می‌کند و از این‌رو، خوانش همیشه خوانش اشتباه تلقی می‌شود و معنی در زایش دائم است. چون ساختارها موقتی و تاریخی و قابل تغییرند، به محض این‌که یک اثر هنری در یک بافت اجتماعی جدید قرار بگیرد معنای متفاوتی ایجاد می‌کند.

به گمان من، دوام حیات نشانه‌شناسی، به عنوان یک روش، به دلیل انعطاف در روش‌های نشانه‌شناسی است. به بیان دیگر، این تعریف که نشانه‌شناسی «بررسی روابط نشانه‌ها در متن است» در رویکرد پساساختگرا نیز مشروعیت دارد و در این‌جا منتقد فقط با «باطل منطقی یا «علمی» مواجه نیست. دال‌ها، در غیاب مدلول سرگردانند و با نظام تحریف شده به متن که مؤلف خود را مرجع آن می‌داند در نبردند. متن دیگر فقط بافتی متشکل از دال‌ها، با تکثیر خود، بازنمایی بی‌پایانی را نمایش می‌دهد. متن در موقعیت بی‌اطمینانی قرار می‌گیرد که پایان و ختمی بر آن متصور نیست.

نشانه‌شناسی در کثرت کنش‌های نظری میان ساختگرایی و پساساختگرایی، به عنوان یک روش خوانش من، همچنان به حیات خود ادامه داده است و توانسته است درون رویکردهای متفاوت نقدی (مانند فمینیسم، تاریخگرایی نوین، نقد فرهنگی، نقد هویت جنسی، نقد جامعه‌شناختی، نقد پساساختگرا و نقد روانشناختی) روش‌های قابل اجرایی پیش پای منتقد قرار دهد. به عبارت دیگر، نشانه‌شناسی از دوره‌ی ساختگرایی عبور و به دوره‌ی پساساختگرایی وارد می‌شود و همچنان به حضور مؤثر خود ادامه می‌دهد. به گمان من، نشانه‌شناسی، برخلاف تعداد بسیاری، نه تنها یک رویکرد نقادانه است، بلکه یک روش خوانش متن هم است. به عبارت دیگر، نتیجه می‌تواند درون رویکردهای مختلف نقد جهت خوانش متن به کار گرفته شود.

مجموعه‌ی پیش رو

گزینه‌ی نوشتارهای این مجموعه شهادی کافی بر این مدعاست که حوزه‌ی نشانه‌شناسی بسیار فراخ و گسترده است و در هر یک از این حوزه‌ها توانسته گزاره‌های مهمی را مطرح نماید. در این مجموعه تلاش کرده‌ام که داستان نشانه‌شناسی را در صد سال اخیر به روایت نظریه‌پردازان اصلی آن به نمایش بگذارم. در بخش نخست به مبانی، تعاریف و تاریخچه نشانه‌شناسی پرداخته شده است. سپس در بخش دوم نویسندگان مقالات به خاستگاه نخستین آن در زبان‌شناسی پرداخته‌اند و در بخش سوم

حرکت مطالعات اولیه از زبانشناسی به مطالعات ادبی طرح شده است. بخش چهارم حوزه‌های نوین مطالعات نشانه‌شناسی را به‌ویژه در متون هنری معرفی می‌کند و در پایان در بخش پنجم به چالش‌هایی که تعریف نشانه و نشانه‌شناسی در دهه‌های اخیر با آن روبه‌رو شده است می‌پردازیم. جالب این است که این چالش‌ها نه تنها از اهمیت این حوزه‌ی دانش بشری نکاسته است بلکه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آن افزوده است.

یکی از ویژگی‌های مهم این مجموعه این است که نویسندگان نوشتارها همه نظریه‌پردازان اصلی در رشته‌ی خود هستند و این ویژگی این مجموعه را به منبعی قابل اتکا در مطالعات نشانه‌شناسی تبدیل می‌کند. برای هر مقاله، متنی درباره‌ی مؤلف و معرفی مقاله عصاره کرده‌ام که امیدوارم برای خواننده سودمند باشد. سپس فهرستی کم‌وبیش جامع از منابع ادگاسی و فارسی در حوزه‌ی نشانه‌شناسی به صورت کتابشناسی ارائه شده است. همچنین در پایان، فهرست واژگان کلیدی که در کتاب به کار برده شده‌اند را به زبان فارسی تهیه کرده‌ام و معادل‌های مناسب را به زبان انگلیسی (یا در موارد معدودی به زبان دیگر) درج کرده‌ام یا آلمانی) ارائه داده‌ام. البته به گمان من، هیچ‌گاه معادل درست و مطلق در ترجمه وجود ندارد و بنابراین در این فهرست گاهی مشاهده می‌کنید که برای یک واژه چند معادل پیشنهاد شده است. در مواردی هم با معادل‌هایی در پانویست مقاله‌ها روبه‌رو می‌شوید. این معادل‌ها یا به دلیل بافت و زمینه‌ی متن توسط مترجم استفاده شده‌اند، یا یا به معادل آن‌ها در پانویست به خواننده یاری می‌رساند (حتی اگر در فهرست پایانی هم موجود باشد) و یا واژگان کلیدی نشانه‌شناسی انگاشته نمی‌شوند و گمان کردم نمی‌توان آن‌ها را در فهرست واژگان آورد و به‌عنوان پیشنهادی کلی مطرح کرد.

در پایان وظیفه‌ی خود می‌دانم که از کوشش و دقت مترجمان این مجموعه سپاسگزاری کنم و به‌ویژه از دکتر کورش صفوی و دکتر لیلا صادقی که پذیرفتند از ترجمه‌های ایشان که پیش از این به چاپ رسیده بودند در مجموعه‌ی حاضر استفاده شود صمیمانه تشکر می‌کنم. تا جایی که امکان داشته است کوشش کرده‌ام که سبک و سیاق ترجمه، علامت‌گذاری، پانویست‌نویسی، و معادل‌گزینی مترجم‌های محترم حفظ شود و البته در مواردی هم مجبور به یکدست کردن متن‌ها شده‌ام. آنچه می‌ماند سپاس از مسعود فرهمندفر و محمد غفاری است که در خواندن و ویرایش نمونه‌های متن به من یاری رساندند و از جناب آقای حسن‌زاده مدیر محترم انتشارات مروارید که صمیمانه و مشفقانه این پروژه را حمایت کردند قدردانی می‌کنم.